

نگاهی گذرا به آمار و کیفیت پرونده های جرائم پزشکی نشان می دهد که یکی از علل افزایش میزان شکایتها، عدم آگاهی صاحبان حرف پزشکی از مسائل حقوقی و مقررات حاکم بر حرفه پزشکی و مسئولیت پزشکان در قبال بیماران است. در راستای دستیابی به این اهداف، کمیته اجرائی این مجله بر آن شد تا بخشی از مجله به درج سلسله موضوعات حقوقی و مقررات حاکم بر حرفه پزشکی اختصاص داده شود. با توجه به قبول زحمت و همکاری صمیمانه جناب آقای دیوسالار قاضی محترم دیوان عالی کشور قسمت اول این مجموعه در جهت آموزش همکاران محترم ارائه می گردد. ارائه پیشنهادات و نظرات شما عزیزان می تواند در راستای بهبود این مجموعه موثر واقع شود.

مسئولیت کیفری پزشکان

نادر دیوسالار

قاضی سابق دیوانعالی کشور - وکیل دعاوی

چکیده

انگیزه ام در طرح این موضوع عمدتاً پاسخ به سوالات و اعتراضات همکاران محترم پزشک و سایر صاحبان حرف پزشکی در سازمان پزشکی قانونی و نظام پزشکی است که چرا به دادگستری احضار و یا جلب می شوند و حتی در رابطه با جرایم حرفه ای که امری تخصصی است در محاکم عمومی تعقیب می شوند و به نتیجه رسیدگی های هیاتهای بدوی و تجدیدنظر انتظامی سازمان نظام پزشکی واقعی نهاده نمی شود و تخلفات صنفی و حرفه ای آنان علیرغم صدور رای نهایی مجدداً مورد رسیدگی واقع می شود. به همین منظور لازم می دانم موضوعات مربوط به این موضوع را بطور خلاصه و در حد و مجال مجله وزین سازمان پزشکی قانونی عنوان نمایم و تفصیل آنرا چنانچه ضروری باشد به زمان مناسب دیگری واگذارم. بیجا نیست برای توضیح این مطلب مقدماً بدانیم مسئولیت چیست و مصونیت از تعقیب کدام است و پاسخگوئی پزشک و صاحبان سایر حرف در برابر رفتار خلاف قانون از کدام نوع مسئولیت است.

بخش نخست: تعریف مسئولیت و موضوعات مربوط به آن

مبحث اول: تعریف مسئولیت

مسئولیت عبارتست از وضعیت و شرایطی است که شخص را مطابق قانون در مقابل فعل یا ترک فعل پاسخگو قرار می دهد این پاسخگویی ممکن است حاصل فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین موضوعه کیفری یا تخلف از قرارداد (اعم از مکتوب یا غیرمکتوب) و یا تخطی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. پزشک ممکن است بلحاظ رفتار معینی) و یا تخطی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. پزشک

ممکن است بلحاظ رفتار معینی تنها مواجه با یکی از انواع مسئولیتهای (کیفری - مدنی - انتظامی) شود و یا تا جایی که همان رفتار او در معرض جمیع این مسئولیتهای قرار دهد. بطور مثال پزشکی که در صدور جواز دفن رعایت دستور العملهای و ترتیبات معینه را نمی کند بدون شک از جهت تخلف از آن نظامات تنها از نظر انتظامی مسئول است اما پزشکی که بی توجه به مصوبه ۵۵/۱۰/۶ هیات مدیره نظام پزشکی به جراحی مهمی نظیر عمل جراحی که مستلزم بیهوشی عمومی یا باشد در مطب خود مبادرت می کند در صورت حصول هرگونه ضایعه ای می تواند موجب تعقیب کیفری تحت عنوان ایراد صدمه غیر عمدی در اثر بی مبالائی و مسئولیت مدنی از

است تعقیب کیفری بعضی از اشخاص به رعایت تشریفاتی از جمله صدور حکم تعلیق و سلب مصونیت قضایی آنها به دادگاه انتظامی موکول گردد (قانون تشکیلات عدلیه) یا نمایندگان مجلس که در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهار نظر و رای خود کاملاً آزاد می باشند نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار می کنند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب و یا توقیف کرد (اصل ۸۶ قانون اساسی و ماده ۷۵ قانون آئین نامه داخلی مجلس مصوب ۷۹) همچنانکه نمایندگان سیاسی مقیم در کشور خارجی از تمام مصونیتها و مزایا برخوردارند (قانون مربوط به قرار داد وین درباره روابط سیاسی ۱۳۴۴) و یا وکلای دادگستری که در مقام دفاع از موکلین خود از مصونیتهای قضات باید استفاده نمایند. (تبصره سوم ماده واحده ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام)

در اینجا ممکن است سوال شود جایگاه معافیت و مصونیت پزشک و صاحبان دیگر حرف پزشکی کجاست. پاسخ این خواهد بود معافیت پزشک از تعقیب کیفری همین است که چنانچه در اقدامات طبی و درمانی رفتارشان موافق موازین فنی و ضوابط علمی باشد صدماتی که در رهگذر این اقدامات به بیمار وارد می کند و در تمامیت جسمانی او تصرف می کند غیرقابل تعقیب است در حالیکه انجام این اقدامات از ناحیه غیر پزشک جرم و متضمن مسئولیت کیفری و از مصادیق انواع قتل یا ایراد صدمه خواهد بود یا در مواردی که پزشک با رضایت بیمار یا اولیاء یا سرپرستان قانونی آنها مبادرت به عمل جراحی یا طبی مشروعی می کند و این اقدام او با ملاحظه اصول علمی و رعایت نظامات دولتی صورت می گیرد که در این صورت قابل تعقیب و مجازات نمی باشد (بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی) یا مواردی که پزشک قبل از شروع به درمان یا اعمال جراحی از بیمار یا اولیاء او تحصیل براءت می کند (ماده ۶۰ همان قانون) بعبارتی به پزشک اجازه داده شده است با توجه به تخصص و صلاحیت بتواند در مقام درمان بیمار را در معرض آسیب قرار دهد در حالیکه این امر حتی با رضایت بیمار توسط اشخاص دیگر جرم و مستوجب مسئولیت است.

حیث ایجاد ضرر و زیان مادی (دارو و درمان) علاوه بر دیه و مسئولیت انتظامی از جهت تخلف و زیر پا گذاشتن نظامات مربوط به ممنوعیت این نوع اعمال در مطب قرار گیرد. نظر به اینکه تنها مسئله مسئولیت کیفری پزشک در حوصله این مقاله است توجه به این مطلب ضرورت دارد که جز اشخاصی که بلحاظ وضع دماغی و روحی و اهلیت خود از مسئولیت کیفری مبری هستند مانند اطفال و یا اشخاصی که در حال ارتکاب جرم به جنون مبتلا دارند و نیز اشخاصی که تحت اجبار یا اکراه (بنحوی که عادتاً تحمل آن ممکن نمی باشد) و یا بواسطه اضطراب مرتکب جرم می شوند یا اعمالی که واجد مجازات می باشند ولی ارتکاب آنها تحت شرایط معینی جرم نیست و مرتکبین آنها غیرقابل تعقیب و مجازات می باشند (مواد ۴۹ و بعد قانون مجازات اسلامی) و یا در مواردی که تعقیب امر جزائی و حتی اجرای مجازاتی طبق قانون شروع شده، می تواند موقوف شود (ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه عمومی و انقلاب) اصولاً هر شخصی در قبال رفتار خود مسئول است.

موارد زوال مسئولیت کیفری و معافیت از مجازات و مصونیتها در قوانین پیش بینی شده است چه همانطوری که علی الاصول افراد ملت از هر قوم و قبیله ای از همه حقوق انسانی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بطور یکسان از حمایت قانونی برخوردارند و دولت موظف شده است حقوق همه جانبه افراد و امنیت قضایی عادلانه را برای همه و بطور مساوی تامین نماید (اصول ۱۹-۲۰ بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی) این تساوی حکم می کند هیچ کس جز در مواردی که قانون تعیین کرده است از تعقیب مصون نباشد و مزیتی بر دیگران نداشته باشد. به حکم همین اصل تساوی است که حتی مقام رهبری بعنوان بالاترین مقام نظام در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است (ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی) و رئیس جمهوری که پس از مقام رهبری عالیترین مقام رسمی کشور است (اصل ۱۱۳) از تعقیب مصون نبوده و در صورت نقص قوانین کیفری بدون هیچگونه امتیازی برحسب نوع جرایم ارتکابی می توانند در دادگاههای عمومی، نظامی، انقلاب مورد محاکمه قرار گیرد. با این همه به لحاظ بعضی منافع و مصالح سیاسی و اجتماعی و جایگاه ویژه بعضی از مشاغل و بمنظور تامین استقلال بعضی طبقات بطور استثنائی و مقطعی و با شرایطی اجازه داده شده

زیاده بر احتیاج به منظور سودجویی یا دخل و تصرف در صورتحساب و دریافت اضافه تر از نرخهای اعلام شده - بکارگیری متخصصین و صاحبان حرف پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوز از طرف وزارتخانه های بهداشت و کار - بکارگیری افراد فاقد صلاحیت - ترک موسسه پزشکی توسط مسئول فنی یا پزشک کشیک یا سایر کادرهای درمانی تخصصی در ساعت مقرر - تعطیل غیر موجه مطب یا موسسه بدون اطلاع. که در این موارد تعقیب ممکن است با توجه به توزیع صلاحیت از طریق دادگاه عمومی یا انقلاب یا سازمان تعزیرات حکومتی صورت گیرد. البته جرائم ویژه تنها به صاحبان حرف پزشکی اختصاص ندارد و سایر صفوف از جمله قضات و وکلاء دعاوی نیز در معرض ارتکاب جرائم مربوط به صنف خود می باشند و این امر تاکید بر اهمیت شغل و جایگاه و مسئولیت خطیر آنان است و به هیچ وجه نباید از آن تلقی محدودیت داشت.

مبحث سوم: مسئولیت کیفری پزشک در رابطه با جرائم

ناشی از حرفه پزشکی

بدیهی است چنانچه پزشک در اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری در رابطه با حرفه پزشکی مرتکب قتل - ضرب - جرح واقع شود این موارد در حکم شبه عمد (تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق م اسلامی) خواهد بود و مرتکب مطابق قواعد عام قانون مجازات اسلامی (دیات) مسئول پرداخت دیه یا در حدود ماده ۶۱۶ آن قانون (بخش تعزیرات) علاوه بر پرداخت دیه شایسته حبس از یک تا سه سال خواهد بود. ممکن است که ایراد شود با ملاحظه تخصصی بودن این نوع موضوعات چرا پزشکان نباید در محکمه ویژه ای که مرکب از صاحب نظران حرفه پزشکی باشند مورد محاکمه قرار گیرند و چرا از طریق دادگاه عمومی به احضار و جلب آنان اقدام می شود. از آنجا که بنا به یک قاعده مسلم و پذیرفته شده تقریباً در تمام سیستمهای حکومتی، دادگستری مرجع رسمی تظلمات و شکایات است (اصل ۱۵۰ قانون اساسی) و قوه قضائیه قوه ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن عدالت معرفی می شود پزشکان نیز به اعتبار همین اصل مرجعیت دادگستری از این قاعده مستثنی نیستند، در غیر این صورت لازم می آید سایر صنوف هم به اعتبار حرفه و ویژگی شغل - محاکم مخصوصی را طلب نمایند.

مبحث دوم: مسئولیت کیفری پزشک در رابطه با جرائم

عمومی

بنا به اصل یکسانی افراد در مقابل قانون، به پزشکان و دیگر صاحبان حرف پزشکی نیز جز در موارد و شرایط معینی که قانون تحت عنوان زوال و معافیت مسئولیت کیفری پیش بینی کرده است از این مسئولیت مبری نبوده و وجه امتیازی بر دیگران ندارند و در صورت ارتکاب جرائم عمومی همانند سایر اشخاص تحت پیگرد قرار خواهند گرفت و با توجه به نوع جرائم ارتكابی ممکن است در یکی از دادگاههای صالحه که بموجب قانون تشکیل شده است (عمومی - انقلاب - نظامی) مورد محاکمه قرار گیرند و در این مورد تعقیب آنان به اذن مقام یا تصویب مرجعی موقوف و موقوف نشده است علاوه بر این صاحبان حرف پزشکی به اعتبار اهمیت حرفه و طبیعت کار خود در معرض ارتکاب جرائم دیگری هستند که در اینجا از آنها به عنوان جرایم ویژه نام برده ایم و ذیلاً به ذکر عناوین مهم آن می پردازیم که در قوانین متفرقه کیفری آمده است.

- ۱- سقط جنین (مواد ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۸۷ و بعد آن قانون)
- ۲- صدور گواهی خلاف برای معافیت از خدمت در ادارات یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مرجع قضایی یا صدور گواهینامه که متضمن ضرر به شخص ثالث یا به خزانه دولت باشد (مواد ۵۳۹ - ۵۴۰ ق م اسلامی)
- ۳- افشاء اسرار بیمار در غیر موارد قانونی (ماده ۶۴۸ ق م اسلامی)
- ۴- قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی (مصوب ۵۴/۳/۲۵ مجلس شورای ملی) و آئین نامه اجرائی آن (مصوب ۶۴ هیات وزیران)
- ۵- مقررات امور پزشکی مصوب سالهای ۱۳۳۴ و اصلاحیه های ۶۷ و ۷۴ تحت عناوین ایجاد هر نوع موسسه پزشکی بدون اجازه وزارت بهداشتی - واردات و صادرات و خرید و فروش دارو بدون مجوز - اخلال در نظام توزیع دارو - انتشار آگهی گمراه کننده - تبدیل تاریخ مصرف دارو یا افزایش قیمت رسمی.
- ۶- قوانین تعزیرات درمانی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۶۷/۱۲/۲۳) شامل ایجاد موسسات پزشکی توسط افراد فاقد صلاحیت از نظر تخصص یا ایجاد آن توسط افراد متخصص بدون داشتن پروانه - خودداری بیمارستانها از پذیرش و ارائه خدمات اولیه به بیماران اورژانس - ارائه خدمات

دخالت دادگاههای دادگستری در آراء مزبور استدلالات مخالفین نیز قابل توجه است.

۱- اگر چه سازمان نظام پزشکی مطابق ماده یک قانون مرقوم سازمانی مستقل و دارای تشخیصیت حقوقی است ولی نباید فراموش کرد که این سازمانها از جمله سازمانهای مملکتی نیز هست که به نحوی نظارت دولت را بعنوان متولی کشور لازم دارد. عضویت بعضی از مقامات دولتی از جمله ریاست محترم سازمان پزشکی قانونی در شورایی عالی و نیز حضور نماینده قوه قضائیه در هیاتهای انتظامی ناشی از اختیار دولت در نظارت بر جریان امور این سازمانهاست. همانطوری که در سازمانهای حرفه ای و صنفی دیگر نیز دولت به نحوی از انحاء در تشکیل یا تحقق اهداف آن دخالت می کند.

۲- حتی در صورت اعتراض اشخاص ذینفع به آراء و تصمیمات هیات انتظامی - دادگاههای دادگستری موضوع اعتراض را با استمداد از کارشناسان رسمی یا پزشکان قانونی و یا با استطلاع از نظر مشورتی هیاتهای انتظامی مورد رسیدگی قرار می دهند و ادعای اینکه شکایت از آراء هیات انتظامی در دادگستری بدون لحاظ جنبه های فنی و تخصصی مورد رسیدگی واقع می باشد همیشه منطبق با واقع نیست اما واقعیت این است تا زمانی که در قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی مکانیسمی برای اعاده دادرسی یا طرق فوق العاده ای که در دیگر محاکم برای تجدید نظر یا اعلام اشتباه پیش بینی نشده - موجودیت تبصره ۳ ماده ۲۶ آن قانون ضرورت دارد. پزشک یا بیماری که مجال دفاع از خود را نداشته یا از عهده تهیه مدارکی که برای شکایت یا دفاع لازم بوده است در زمان مناسب برنیامده یا در اثر بی توجهی اعضای هیات انتظامی یا اشتباه و نادرستی نظریه کارشناسان متحمل حکمی ناعادلانه شده اند باید حق داشته باشند یا از طریق اهرمهایی که معمولاً در قوانین برای اعاده احکام مبتنی بر اشتباه تعیین گردیده و یا از طریق مراجع دیگر الغاء آنها خواستار شوند و اینجانب به حکم ماموریت در هیات عالی کراراً شاهد چنین مواردی بوده ام.

در رسیدگی به جرایم پزشکی توجه به دو مطلب ضرورت دارد اول: اینکه دادگاههای دادگستری با توجه به فنی بودن جرائم پزشکی مطابق عموماًت مربوط به کارشناسی در امور کیفری (مواد ۸۳ و بعد قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه عمومی و انقلاب) و نیز در اجرای تبصره دوم ماده ۲۵ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی مکلفند نظر کارشناسی و تخصصی، کارشناسان رسمی دادگستری و هیات بدوی انتظامی محل را استعلام نمایند خصوصاً نظرات کارشناسی اطباء قانونی که در رسیدگی به این نوع دعاوی جزائی نقش بسیار موثری دارند.

دوم، مطابق تبصره دوم ماده ۲۷ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی دادگاهها مکلفند حداقل ۲۴ ساعت قبل از احضار و جلب هر یک از صاحبان مشاغل پزشکی در اتهامات مربوط به حرفه پزشکی مراتب را به اطلاع هیات بدوی انتظامی نظام پزشکی شهرستان مربوطه برسانند. البته اجرای مقررات مزبور از جهت اینکه می تواند محل فوریت تحقیقات و اقدامات لازم باشد همیشه ممکن نیست و در هر حال چنانچه بدون اطلاع هیات بدوی به احضار یا جلب پزشک در جرائم مرتبط به حرفه پزشکی اقدام شود، این کوتاهی تنها می تواند بعنوان تخلف انتظامی قاضی در دادگاه انتظامی قضات مورد رسیدگی واقع شود و به اصل استقلال دادگاههای دادگستری در رسیدگی به جرائم مزبور اخلالی نخواهد کرد. البته نمی توان انکار کرد که تشکیل و اختصاص شعبه ای از دادگاههای عمومی تهران به رسیدگی به جرائم پزشکی در محل سازمان نظام پزشکی از جهت تمرکز جرائم پزشکان در دادگاه واحد و مطالعه بررسی علل بزهکاری حرفه در جامعه پزشکی تهیه آمار و تدوین برنامه های لازم برای پیشگیری از وقوع آنها و سیاستگذاری از اقدامات بسیار مهم محسوب است.

در خاتمه مناسب می دانم توضیح دهم مطابق تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون اخیرالذکر در مواردی که تخلفات صنفی و حرفه در هیاتهای انتظامی مطرح و به صدور رای قطعی منتهی می شود (کسی که نسبت به رای نظام پزشکی شاکی باشد می تواند نسبت به رای نظام پزشکی به دادگاه عمومی شکایت کند) با توجه به تخصصی بودن موضوعات مطروحه در هیاتهای انتظامی و ترکیب اعضا علی الخصوص لازم می آید که آراء و تصمیمات آن هیاتها قطعی و لازم الاجرا و در مرجعی غیرتخصصی قابل اعتراض نباشد. در اثبات و لزوم